

سعدی سیاسی و سیاست سعدی

به بهانه گرامیداشت اول اردیبهشت؛ روز سعدی



علی افشار سمیرمی

فعال فرهنگی بازنشسته

سعدی را به شیرین زبانی و عاشقی می‌شناسیم اما کیست که نداند، دربین شاعران ونویسندگان ادب فارسی، سعدی، سیاسی‌نویس ترین آنهاست. دسته‌بندی سیاسیات سعدی؛ باحرف‌هایی که در «نصیحةالملوک» گفته‌وشعرهایی که در «باب اول گلستان» و «باب اول بوستان» و برخی قصاید و حتی بعضی غزلیات سروده؛ دفتری سترگ خواهد شد. اگر چه سعدی، آدم سیاسی نیست و اهل انقلاب و انتقام هم نیست اما شعر و نثرش بوی تغییر می‌دهد؛ تغییری آرام به دست نسل‌های باسواد بعد؛ مردمی که مانده تا با هم حرکت کنند؛

پشه چوپر شد بزند پیل را/ با همه تندى و صلابت که اوست/ مورچگان را چو بود اتفاق / شیر زبان را بدر اند پوشت» و این گونه پادشاه را از باهم همراه شدن مردم بی‌تاب و احتمال سر بر آوردن آگاه می‌کند: **«نظر کن درین موی باریک سر / که باریک بینند اهل نظر / چوتنه‌است از رشته‌ای کمترست/ چوپر شد ز نجیر محکم‌ترست»**

زمانه‌ای که سعدی در آن زیست می‌کند، در ارکان حکومتی، وحدت قوا حکم فرماست. در این اوضاع، آزادی و عدالت نیست اما امنیت هست و همین برای استمرار قدرت پادشاه کافی است؛ سعدی می‌داند که در این فضا، چه‌بسا افرادی کم‌مایه و بی‌فایده، عهده‌دار امور بشوند. کم‌علم بودن برخی کار به‌دستان، به استمرگ شدن شان منجر می‌شود. به بیانی دیگر، جهالت دارد زمینه‌ساز اعمال سوء و همین سبب نارضایتی مردم می‌شود: **«ای زبردست زیر دست آزار گرم تا کی بماند این بازار / به چه کار آیدت جهانداری / مردنت به که مردم آزاری»** او با جرأت به نصیحت درباریان می‌پردازد: **«مبازار عامی به یک خرده‌ل / که سلطان شیان است و عامی گله / چو پر خاش بینند و بیداد از او / شیان نیست، گرگ است، فریاد از او / در آن تخت و ملک از خلل غم بود / که تدبیر شاه از شبان کم بود»**، او تکنیک‌های مختلفی برای رام کردن نفس سرکش آنها به کار می‌گیرد. نزد آنها، از تاریخ، از عشق، از شرک بر عاقبت، از روز تنگی، از روزگار پیروی، از توبه، از مرگ، از بی‌اعتباری دنیا و روز جزا و از همه چیز می‌گوید و به پادشاه می‌آورد: **«خبر داری از خسروان عجم / که گردند بر زیر دستان ستم / نه آن شوکت و پادشاهی بماند / نه آن ظلم بر روستایی بماند»** در این مسیر، شوخی و طنز را جاشنی کلام خویش می‌کند؛ **«زور ت از پیش می‌رود با ما / با خداوند غیب دان نرود»** چون می‌داند که پادشاه به یک اشاره می‌گشود و می‌بخشد. همین که با بیعتی، خاطر شاه را شاد می‌کند، می‌داند که گامی کوچک در رام کردن قدرت برداشته است.

به عقیده سعدی، بد تربیت شدن عوام، انعقد ضرر ندارد که ناقص شدن تربیت خواص و سیاست‌مداران که در مقام تصمیم‌گیری‌اند: **«اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی / بر آوردن غلامان او درخت از بیخ / به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد / زند لشکر پایش هزار مرغ به سیخ»** با این همه، سعدی می‌پندد؛ روح جمعی مردم از دیرباز، به بودن شاهان عادت کرده و لذا آنها به دین حاکمان خود هستند. از سوی دیگر مشکلات و معضلات عامه، به قوت خود باقی است و باید کاری کرد. او چاره جز این نمی‌بیند که هم هوای بازار را داشته باشد و هم مواظب حال دربار باشد. و لذا به

قصد بهبود اوضاع، به قدرت نزدیک می‌شود و برایش حرف می‌زند. تقریباً از تمامی طبقات مختلف، از حاکمان، لشکریان، بازرگانان، قضات، محتسبان، فقیهان، صوفیان، توانگران، درویشان، اهل ادیان و دیگران سخن گفته و رفتارها و نیازهای آنها را با او در میان می‌گذارد؛ **«مینداز در پای کارکسی / که افتد که در پایش افتی بسی»**.

حرف‌های سعدی، سراسر خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است و البته از بس شیرین است، به دل می‌نشیند و همین نقطه آغاز سازگاری - و نه سازشکاری - سعدی با حکومت می‌شود. در زمانه‌ای که امکان نشر و پخش شعرهایش نیست؛ سعدی طریقی نمی‌شناسد تا بتواند اندیشه‌های خود را گسترش دهد الا این که بوستان به دست، سمت قصر رفته و آن را به شاه هدیه کند تا از مطالب آن هم در اداره جامعه، بهره گیرند و هم مواظب احکام خدا باشند. چرا که وقتی دین و دولت به یکدیگر پیوسته‌اند، هر گونه کاستی و سستی در یکی، دیگری را به زوال خواهد کشید. **«چنین پادشاهان که دین پرورند / به با زوی دین، گوی دولت برند»** و **«نخواهی که ملک‌ت بر آید بهم غم ملک و دین خورد باید بهم»**. بی‌پروایی سعدی در نصیحت دربار، یکی هم به خاطر آموزه‌های او از مقام فقر و درویشی است. او چون به تاثیر معنوی مرام خود آگاه است، در اندرزگویی به سلطان هراسی به دل راه نمی‌دهد: **«بترس از خدای و مترس از امیر»** چون ایمان دارد: **«نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر نردارو امید زر»**؛ و سلطان را بشارت می‌دهد: **«طریقت بجز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلق نیست / تور تخت سلطانی خویش باش / به اخلاق پاکیزه درویش باش»** و به شاه توصیه می‌کند: **«نام نیک رفتگان ضایع مکن / تا بماند نام نیک‌ت پایدار / کام درویشان و مسکینان بده / تا همه کارت بر آرد کردگار»**.

محورهای عمده اندیشه سیاسی سعدی، اقامه عدالت، تدبیر در قضاوت، پرهیز از غرور قدرت و معرفت از احوال ملت است: **«مکن تا توانی دل خلق ریش / و گر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش / رعیت نشاید، به بیداد کشت / که مر سلطنت را بپاهند و پشت»** او به‌عنوان کسی که هم از قدرت و هم از مقدار تساب‌آوری مردم باخبر است، با اطمینان زیاد و راحت حرف می‌زند: **«منه دل بدین دولت پنج روز / به دود دل خلق خود را مسوز / نه پیش از تو بیش از تو اندوختند»**؛ **به بیداد کردن جهان سوختند؟ / چنان زی که ذکرت به تحسین کنند / چو مردی نه بر گور نفرین کنند»** دست آخر، خیالش را راحت می‌کند و آب پاکی را روی دستش می‌ریزد که: **«فراخی در آن مرز و کشور مخواه / که دلتنگ بینی رعیت ز شاه / دگر کشور آباد یبند به خواب / که دارد دل اهل کشور خراب»** جان کلام این‌کے؛ سعدی از قدرت خبردارد که چه اندازه سخت‌افزاری و با استفاده از همه قوای لشکری و کشوری است. در مقابل، توان ملت را هم می‌داند که چه با شکوه و آرام و نرم‌افزاری و با حداقل امکانات است. حتی با آهی در سینه‌ای و سوزی که از دلی برمی‌آید می‌گوید: **«تترسی که پاک اندرونی شبی / بر آرد ز سوز جگر یا ربی؟ / نخته‌ست مظلوم، از آتش بترس / ز دود دل صبحگاهش بترس»** به عقیده او، خالی شدن خزانه آن قدر مهم نیست که دل مردمان خراب و آشفته شود: **«دل دوستان جمع بهتر که گنج / خزینه تهی به که مردم به رنج»** و لذا شاه را هشدار می‌دهد که **«از درون خستگان اندیشه کن / وز دعای مردم پرهیز کار / منجبتی آن مظلومان به صبح / سخت گیر ظالمان را در حصار»**.



عکس: سارا سبزی/ایستا

زاکانی تا آخر می‌ماند؟

اعتراضات به شهردار تهران از جلسه شورای شهر تا تجمع کارمندان مترو

سازمان املاک و مستغلات را به شورای شهر تهران ارائه کند که از سال ۹۵ (تاریخ مصوبه تاکنون) گزارشی ارائه نشده است. با توجه به شفاف‌سازی کارنامه دوره ششم مدیریت شهری قبل از پایان فعالیت انجام تحقیق و تفحص از عملکرد برنامه مالی و اجرایی سازمان املاک از نظر حقوقی و صرفه و صلاح شهر به هیئت رئیسه داده شده و انشالله اعلام وصول بفرمایید. و از اینجا بود که این تحقیق و تفحص کلید خورد. اما از آن روز تاکنون این تحقیق و تفحص به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است. علیرضا زاکانی، شهردار تهران درباره تحقیق و تفحص شورای شهر تهران از سازمان املاک شهرداری تهران گفت: «ما بی‌عیب و نقص نیستیم؛ ما در راستای شفاف‌شدن موضوعات کمک می‌کنیم.»

واکنش ابتدایی مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران به این موضوع این بود: «اقدامات مقدماتی به موقع طی نشده و فعلاً متوقف مانده و اگر مجدداً درخواست شود، بررسی خواهد شد.» اما نر جس سلیمانی اعلام کرد: «توقفی در کار نیست.» و از موضع خود کوتاه نیامد. از سوی دیگر برخی از امضاکنندگان این تحقیق و تفحص نیز از توقف آن اظهار بی‌اطلاعی کرده و بر این باور بودند که به دلیل بررسی بودجه فعلاً تحقیق و تفحص از املاک به تعویق افتاده است. در همان زمان شنیده شد که محمد آخوندی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه نیز با وجود دو نامه‌ای که نر جس سلیمانی به او زده هنوز از امضای شروع تحقیق و تفحص سرباز زده تا حرفی روی حرف رئیس شورای شهر تهران نزند. در آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ مهدی چمران یک بار در پاسخ به خبرنگار هم‌میهن گفت: «روی این کار شما هم تحقیق و تفحص کنید، به یک جایی می‌رسید، انشالله.» و بار دیگر (در سال ۱۴۰۴) در پاسخ به سوال درباره سرنوشت تحقیق و تفحص تاکید کرد: «شما نمی‌خواهد در مسائل داخلی ما ورود پیدا کنید خودمان به اندازه کافی ورود داریم.»

▼ پست‌های درشت شهرداری همچون غنایم جنگی

اما ادعای ورود به موضوع تحقیق و تفحص کاملاً مغایر با تذکر روز گذشته نر جس سلیمانی و گلایه‌هایش از مدیریت شهری بود که آن را به سیاه‌چاله‌ها تشبیه کرد. سلیمانی در تذکری پیش از دستور ابتدا از شرایط مدیریت منابع انسانی و انتصابات انتقاد کرده و گفت: «هر شخصی بنا به هر دلیل اگر صلاحیت

▼ تحقیق و تفحص شهریور کلید خورد

ماجرای تحقیق و تفحص از سازمان املاک و مستغلات شهرداری تهران در فاصله سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ به شهریور سال گذشته برمی‌گردد. نر جس سلیمانی، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران در ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ اعلام کرد: «شهرداری موظف بود که هر ۶ ماه یکبار گزارش عملکرد



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

روز گذشته خیابان هشت حوادث بزرگی را تجربه کرد: «از درخواست انتخاب مجدد شهردار تهران توسط مهدی اقراریان و اعتراض نر جس سلیمانی، عضو شورای شهر تهران به مدیریت شورا و تشبیه کردن آن به سیاه‌چاله‌ها گرفته تا تجمع کارمندان شرکت بهره‌برداری مترو مقابل شورای شهر تهران و شهرداری.»

با بررسی سید و هجدهمین جلسه شورای شهر تهران این سوال پیش می‌آید: «زاکانی که قرار بود تا آخر انتخابات ریاست جمهوری بماند و نگذارد که مسعود پزشکیان رئیس جمهور شود، حالا با انصراف از این انتخابات می‌تواند تا آخرش در شهرداری بماند؛ آن هم با این حمایت بی‌سابقه از شهردار تهران از سوی برخی اعضا و رئیس شورای شهر پایتخت؟» اینطور که پیداست حال تحمل مدیریت یکسویه و گاه خارج از چارچوب شورای شهر تهران برای آنهایی که قرار است به نفع مردم و شهر کار کنند سخت شده و آنها را به ستوه آورده است. چرا که روز گذشته موضوعاتی درباره سوال از شهردار تهران و تحقیق و تفحص از سازمان املاک و بررسی ویژه عملکرد شرکت همشهری طوری مطرح شد که مشخص بود، رئیس شورای شهر تهران از حق وتوی خود بیش از حد و در راستای حمایت از شهردار تهران (نه نظارت بر عملکرد شهرداری) استفاده کرده است. رئیس شورای شهر تهران خوب می‌داند که با احصای تخلف در تحقیق و تفحص پرونده به سرعت به مراجع قضایی ارجاع و خارج از وقت رسیدگی می‌شود. این موضوع برای مدیران دوره ششم حوزه شهری پایتخت جای نگرانی دارد.



سکوی جهش مذاکرات

درباره تفاوت این دور از گفت‌وگوهای ایران و آمریکا و تفاوتی که با برجام و تجربه‌های پیشین دارد



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

فراز از به‌کارگیری عبارات، جملات و مضامینی، چون: «روند روبه‌جلو» یا «فضای مثبت و گفت‌وگوهای سازنده» و گفتارهای این چنینی از روند مذاکرات میان ایران و آمریکا که این بار با ذقت و هوشمندی مطلوب و حرفه‌ای در مدیریت رسانه‌ای حین انجام مذاکرات و در قالب پیوست رسانه‌ای به یونه اجرا گذاشته شده و از دلایل ساختارمند بودن و نتیجه‌بخشی مذاکرات تا این لحظه به‌شمار می‌آید؛ نکته آن است که مذاکرات ۱۴۰۴ با توجه به پرونده پر مناقشه و سرشار از تنش میان ایران و ایالات متحده و نیز سوابق مذاکراتی دو طرف در ادوار مختلف، این بار سر و شکلی فراتر از انتظارها داشته و شیب مثبت و ملموسی به سمت و سوی حل‌وفصل چالش هسته‌ای دارد. در این مقاله به چرایی و علت‌یابی این تفاوت و تغییر خواهیم پرداخت. تغییرات ساختاری در این دور از مذاکرات، شامل بر چند وضعیت است:

این برای اولین بار است که ایران و ایالات متحده در سطوح عالی و به شکل رسمی با یکدیگر سخن می‌گویند. در دوره برجام هر چند گفت‌وگوهای طولانی و مستقیم بین دو وزیر خارجه انجام شد؛ اما این دیدار و رایزنی‌ها بخشی از چارچوب مذاکرات ایران و ۵+۱ و در ذیل آن تعریف می‌شد و بازیگران دیگری نیز بر روند تصمیم‌گیری‌ها تاثیرگذار بودند. در دیگر سو، در چند

تغییر محتوایی رخ داده در این دور از مذاکرات رانیز می‌توان معطوف به تمرکز بر روی یک موضوع مشخص دانست و برخلاف ادوار گذشته که به هر عرصه و زمینه‌ای گریزی زده و سعی می‌شد از فرصت مهیا شده با هدف حداکثر انتفاع برای حل‌وفصل مناقشات مختلف و متکثر در پرونده منازعات فراوان بهره گرفته شود و در واقع هم انرژی و ظرفیت مذاکره‌کنندگان اشباع می‌شد و به تحلیل می‌فت و با فقدان تمرکز بر روی حل‌وفصل تدریجی و گام‌به‌گام، مذاکرات طولانی و فرسایشی و موضوعات اصلی مورد بحث فرجام نمی‌یافت و استخوان لای زخم می‌ماند، این بار دو طرف تنها و تنها روی دو موضوع اصلی یعنی حل ابهام از پرونده هسته‌ای و در برابرش لغو تحریم متمرکز

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم:

انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها خارج از اختیار وزارت علوم است

ماه‌هاست که وزیر علوم سرپرست دانشگاه‌های مختلف کشور را تعیین کرده است. اما مدت سرپرستی ۳ ماه و با یک بار تمدید ۶ ماهه است. با وجود آنکه دوره ۶ ماهه سرپرستی برخی از رؤسای دانشگاه‌ها سپری شده اما هنوز رؤسای دانشگاه‌ها مشخص نشده‌اند. به همین دلیل روز گذشته حسین سیمایی صراف، وزیر علوم دلایل تأخیر در انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها را تشریح کرده و گفت: «اگر همه تصمیم‌گیری‌ها در اختیار وزارتخانه بود که این کار (انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها) کار یک هفته بود.»

او افزود: «برای نصب رؤسای دانشگاه حساسیت‌هایی وجود دارد و نظامات حقوقی و فرایند قانونی پیش‌بینی شده است. این فرایند اینجا شروع می‌شود که پس از بررسی‌های ما و نامزد کردن فردی برای سرپرستی یا ریاست دانشگاه، باید استعلام‌هایی اخذ شود. این استعلامات از چندین مرجع انجام می‌شود که این پروسه زمان‌بر است. پس از دریافت تمامی استعلامات، فرد را به عنوان سرپرست منصوب می‌کنیم، اما تا او رئیس دانشگاه شود باید چند ماه از عملکرد او بگذرد تا شورای عالی انقلاب فرهنگی بتواند در مورد نامزد مورد نظر ارزیابی و قضاوت لازم را داشته باشد. این فرایند گاهی بیش از سه ماه طول می‌کشد. سپس موضوع به کمیته انتصابات شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده می‌شود و گاهی درباره برخی

